

یادداشت‌های شهر شلوغ

ملاحظات در مواجهه با مطالبات صنفی دانشجویان

[شهروند] دیروز روزنامه ها نوشتند : «امیرمحمد خالقی درمیان» که زاده یک روستای کوچک در خراسان جنوبی و در ۷۰ کیلومتری خط مرزی بود، در حالی درس خواند و به مدرسه رفت که تعداد دانش‌آموزان مدرسه او در روستا به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسید، اما امیرمحمد با تمام سختی‌ها توانست با کسب رتبه ۸۰۰ کنکور وارد دانشگاه تهران شود و به رویایش برسد هر چند توثیت وارد در شبکه ایکس نشان می‌دهد ورود به دانشگاه، آن هم دانشگاه تهران با آنچه در رویاهایش متصور بوده چندان تطابق نداشته است چرا که نوشته بود: «همه چی از دور قشنگه حتی دانشجوی دانشگاه تهران بودن!» و مدتی بعد نیز توثیت کرده بود که «من این من را تغییر می‌دهم.» این قربانی کوی دانشگاه آرزو داشت که بلاکچین و برنامه نویس حرفه‌ای شود، اما دو سارق موتورسوار به خاطر سرقت کوله پشتی‌اش، این پسر نخبه را به قتل رساندند. اما تحلیل ها در مورد حوادث پس از قتل این دانشجو متفاوت بود…

یک جریان سیاسی می‌خواهد موضوع رفتارفا امنیتی ببیند

اتفاق تلخی که اطراف خیابان کوی دانشگاه رخ داد، زودتر از آنچه انتظار می‌رفت، رنگ‌وبوی سیاست‌زدگی به خودگرفت. روزنامه‌فرهیختگان نوشت: بعداز حادثهٔ تلخی که برای امیرمحمد خالقی، دانشجوی مدیریت کسب‌وکار دانشگاه تهران رخ داد، دانشجویان تجمعی اعتراضی درمحل کوی دانشگاه برگزار کردند.وبه‌نامی محیط‌اطراف‌کوی‌که‌مطالبه چندین‌ساله‌شوراهای‌صنفی‌است، اعتراض کردند.

سرپرست دانشگاه هم در این تجمع حاضر شد تا به سؤالات دانشجویان پاسخ دهد، اما همان‌طور‌که‌انتظارمی‌رفت، ماجراتنها‌در‌حدیک‌مطالبه‌دانشجویی‌باقی‌نماند.

به نظر می‌رسد، برخی به دنبال تصاحب و مصادره کردن مطالبات دانشجویی‌اند تا اتفاقات به حق دانشجویی را به نفع خود مصادره کنند. بخش عمده‌ای از افرادی که می‌خواهند اعتراضات دانشجویی را تبدیل به آشوب‌های خیابانی کنند، خط و ربطی خارجی دارند. گروه‌های ضدایرانی‌که از همان ساعات اولیه بعداز اتفاق فعالیت خودراشروع کردند، بر فرمان امنیتی‌سازی و تبدیل این اتفاق به بحرانی برای نظام حکمرانی حرکت می‌کنند. این گروه‌ها حتی از بازداشت و آسیب دیدن دانشجویان استقبال می‌کنند؛ چراکه می‌توانند به‌راحتی از آن‌بحران‌بسازند.

گروهی دیگر ناآگاهانه و بدون توجه به اینکه مواضع آن‌ها می‌تواند بحران‌ساز باشد، به سیاست‌زدگی و رادیکال شدن این فضا دامن می‌زنند. در این موقعیت ورود مسئولانه مقامات وزارت علوم و دولت، مدیریت اتفاق تلخ و اقدام برای جلوگیری از تکرار مشابه این اتفاقات می‌تواند از افتادن این ماجرا در دام سیاست‌زدگی و بحران‌سازی جلوگیری کند. آنچه مثل سم مهلکی عمل می‌کند، تلاش برای انداختن تقصیر اتفاقات به گردن دیگران، تئذیرفتن، مسئولیت‌وبرجسب‌زدن به‌گروه‌های دانشجویی‌است‌که‌اعتراضی‌بجا،‌به‌دوراز‌هیاهو‌ومشغیلت‌های‌خارج‌از‌دانشگاه‌داشته‌و‌دارند.

تجمع روز جمعه دانشجویان در کوی دانشگاه بعد از فوت امیرمحمد خالقی، حوالی ساعت ۱۰ شب تمام شد. شروع و اتمام این تجمع، واکنش هانسبت به حادثه کوی و تجمع دانشجویان را به اوج رساند. یک جریان معتقدند اعتراضی که در کوی دانشگاه برگزار شده، بر فرمان شیطنت‌وتکرار‌پروژهٔ ۱۴۰۱ حرکت می‌کند و می‌بایست برخوردی امنیتی با این ماجرا صورت گیرد. این جریان ماجرا را تک خطی و امنیتی می‌بینند و واکنش و مواجهه‌شان با این اتفاق نیز صرفاً تکیه‌بر برخورد امنیتی است.

جریانی دیگر نیز به دنبال آنند تا اعتراض دانشجویان به یک مطالبه چندین‌ساله‌را که به‌خاطر‌دگذشت‌هم‌کلاسی‌شان به‌اوج‌رسیده‌به‌ضدیت‌بسیستم‌وصل‌کرده‌ویک‌مطالبه دانشجویی‌رتبیدیل‌به‌تجمعی‌رادیکال‌در‌اعتراض‌به‌نظام‌حکمرانی‌کنند. رگه‌هایی از تلاش برای تحقق این هدف حتی در جریان این تجمع قابل مشاهده بود. در کنار این تلاش‌هایی رادیکالیزه شدن فضا، گروه‌های ضدایرانی حضور دارند که سابقه طولانی در ماهی‌گرفتن از آب گل آلود بحران‌های کوچک و بزرگ کشور دارند. آن‌ها نیز از همان ساعات ابتدایی فوت دانشجوی دانشگاه تهران و برگزاری تجمع تلاش کردند تا این تجمع را به پروژه‌های ضدایرانی خود وصل کنند.

چهره‌های آشنایی مثل مریم رجوی و گروه‌ک خرابکارش فرمان تحریک و سیاه‌نمایی را پیش گرفتند و بر منطق بی‌منطقی با داعایی‌واهی، «سیاه‌پاسداران» را مقصر این اتفاق دانستند. رضاهلوی هم که هنوز از شوک لغو سخنرانی‌اش در کنفرانس مونخ بیرون نیامده، مثل همیشه مقصر کوچک‌ترین اتفاق و حادثه‌ای را نظام حاکم ایران دانسته‌است. این خط رادیکالیزه‌نگیران‌ضدایرانی مثل مسیح علی‌نژاد، حسین رونقی و بیوریا زاعتی ادامه دادند که اتفاق تا‌زای‌نیست.

علاوه بر این از همان دقایق ابتدایی شروع تجمع دانشجویان کوی، کانالی تلگرامی با نام «خبرنامه امیرکبیر» که در پلتفرم‌هایی مثل اینستاگرام و توئیتر هم صفحه دارد، شروع به فعالیت و انتشار تصاویر تجمع دانشجویان کرد. مدیریت این صفحات به عهده فردی به نام رضاییونس است که دانشجوی اخراجی دانشگاه امیرکبیر بوده و خود و خانواده‌اش سابقه روشنی در عضویت و همکاری با گروهک سازمان منافقین داشته‌و دارند. این گروه‌سایتی نیز با همین عنوان دارد که مطالبش به زبان اصلی منتشر می‌شود که عموماً بر انتشار اخباری که جو‌دانشگاه‌های ایران را امنیتی، سیاه‌و‌ملته‌به‌نشان می‌دهد، تمرکز دارد. خبرنامه امیرکبیر تمرکز خود را بر جذب دانشجویان اخراجی و تعلیقی متمرکز کرده است. پوشش اخبار این اتفاق توسط این کانال، این گزاره را تقویت می‌کند که تحرک گروه‌های ضدایرانی برای دنبال کردن خط‌آشوب‌را داخل دانشگاه شروع شده‌است.

در میان واکنش‌هایی که بعداز وقوع این اتفاق تلخ بروز و ظهور داشته، مخصوصاً بین دو جریانی که به آنها اشاره شد، یک وجه اشتراک وجود دارد و آن هم سوء استفاده از اصل اتفاق رخ داده است. جریاناتی که نسبت به این ماجرا موضع گرفتند، بیش از آنکه به اصل اتفاق بپردازند با برجسته کردن حواشی، بحران‌سازی و امنیتی کردن آن، اصل ماجرا را به حاشیه می‌برند. اگر اتفاق تلخی که برای امیرمحمد خالقی رخ داد و بعداز آن تجمع دانشجویان را موضوعی برنامه‌ریزی شده بدانیم که امنیت را هدف قرار داده، طبیعتاً نمی‌توان واکنشی منطقی برای مدیریت این اتفاق نشان داد و چه بسا اتفاقات بدتری نیز رخ دهد. از طرفی اگر اصل اتفاق کوچک‌نمایی شود نیز، خود به تنهایی آسیب‌زا است. نمی‌شود انکار کرد که کوچک‌ترین اتفاقی که بتواند شکاف‌های اجتماعی را در جامعه تقویت کند و واکنش افکار عمومی را به همراه داشته باشد، به سرعت تبدیل به ابزاری برای سوء استفاده آن‌ها می‌شود. کم‌اینکه تحرکات گروه‌های ضدایرانی بعداز تجمع دانشجویان نیز این گزاره را تایید می‌کند



و اگر جلوی سوء استفاده کردن گروه‌ها و جریانات مختلف در مواجهه با این اتفاق گرفته نشود، اصل اتفاقی که منجر به اعتراض دانشجویان شده حاشیه‌می‌رود.

چه کسی از آب گل آلود دانشگاه‌ها می‌گیرد؟

در مقابل سایت رویداد ۲۴ هم پانگاهی به حواشی ماجرا نوشت: نکته اساسی تر این است که باجوش‌های مجلس قصد دارند از این اتفاق بهانه‌ای بسازند برای اثبات درستی «قانون مشاغل حساس». آنها قصد دارند اعلام کنند که سیاست اعلام‌های‌رای‌مشاغل حساس یک سیاست کاملاً درست است. سیاستی که در واقع تسری دادن نظرات استصوابی از نمایندگان مجلس به همه ارکان حکومت است. سیاستی که باعث شده هیچ فردی غیر از خودی‌ها نتوانند به سیستم مدیریتی وارد شوند. مدلی که موفقیت یا عدم موفقیت آن را در کارنامه عملکردهٔ ۴ ساله صداوسیما که با همین سیاست اداره شده می‌توانید ببینید و همان راه‌کل جامعه‌تسری دهید.

گزارش‌های دانشجویان نشان می‌دهد که ریاست دانشگاه تهران با اشراف کامل به حوزه دانشجویی و سیاسی، همچنین تاریخچه وقایع دانشجویی در ایران تلاش می‌کند تا مانع از التهاب بیشتر دانشگاه شود، اما هم‌زمان در فضای رسانه‌ای کشور «بحران‌زی»‌ها قصد دارند به بهانه حمایت از دانشجویان کسی را حذف کنند که بیشترین حمایت از دانشجویان را در کارنامه داشته‌و یاد‌ر حال حاضر دارد. همچنین نیروهای امنیتی به جای تمرکز بیشتر بر دانشجویان بهتر است نگران لباس شخصی‌هایی باشند که ممکن است فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر خلق کنند.

چه اتفاقی افتاد؟ قتل امیرحسین خالقی دانشجوی دانشگاه تهران در نزدیکی کوی دانشگاه دو روایت متفاوت را شکل داد. روایت اول را دانشجویان دانشگاه ارائه کردند. آنها فضای اطراف دانشگاه را امن نمی‌دیدند و خواستار نظارت و کنترل بیشتر نیروهای انتظامی در این خصوص بودند. این دانشجویان به سوابق گذشته در این زمینه نیز اشاره کردند. روایت دوم، روایتی امنیتی است. آنها بر این باورند که این قتل برای ایجاد یک اعتراض دانشجویی انجام شده‌و باید بدان به‌شدت برخورد سخت کرد. از همین رو بلافاصله «لباس شخصی‌ها» در اطراف دانشگاه حاضر شدند. همین مساله باعث تحریک بیشتر دانشجویان شده‌است. این روایت می‌تواند بحران‌زا باشد.

این میان رئیس دانشگاه تهران به میان دانشجویان رفته تا آنها را به آرامش دعوت کند و برای امنیت بیشتر آنها از مراجع مختلف درخواست کمک کند. اما شاهد حمله آکات‌های سایبری به رئیس دانشگاه هستیم. دلیل آن را اتفاقاتی در وقایع امروز، بلکه باید در ۱۴۰۱ دید.

جایی که رئیس دانشگاه از دانشجویان حمایت کرده‌بود.

حالا رئیس دانشگاهی داریم که استفاده‌ای او به دلیل حمایت از دانشجویان در سال ۱۴۰۱ ارائه نمی‌شود. هم‌زمان، مخالفان تلاش می‌کنند ماجرا را امنیتی جلوه دهند. آنها از این فرصت استفاده می‌کنند تا نظرات استصوابی در مناصب رانجیه‌کنند.

اما واقعیت این است که مسئولیت امنیت شهروندان با نیروی انتظامی است و نیروی انتظامی اگر به وظایف خود و هشدارهای پیش گفته شده دانشجویان عمل می‌کرد، امروز وضعیت چنین نبود. با این حال به جای بازکردن این گره‌با‌دست، چراق‌را‌است‌آن‌را‌یاد‌ندان سخت‌بازکنید؟

چرا به جای حضور سردار ارادان و دادن اطمینان به دانشجویان برای ایجاد امنیت بیشتر، از لباس شخصی‌هایی استفاده می‌کنید که با یک شعار کوچک تحریک می‌شوند و ممکن است با فراخواندن دیگر دوستانشان بار دیگر وقایع تلخی همچون کوی دانشگاه و اتفاق دانشگاه شریف در سال ۱۴۰۱ را رقم بزنند؟

توصیه آخر هم به دانشجویان است: اجازه ندهید به اسم حمایت از دانشجو حامیان دانشجویان را حذف کنند.

ماجرا فقط سرقت نیست

ام‌عبدالله گنجی، فعال رسانه‌ای اصولگرا نیز در شبکه اجتماعی ایکس نوشته: «تحلیل‌م برای دانشجویان است.

قتل دانشجو در حاشیه دانشگاه تهران را به دلایل ذیل صرفاً با هدف سرقت محض نمی‌دانم.

– زمان و زمینه در کانتکس ترامپ جهت شورش اجتماعی در ایران است

– جوان (تحریک‌زا)

– دانشجو(تحریک‌زا)

– سنی (تنش قومی – مذهبی)

– رفتارهای نامتعرف بعد از آن به‌عنوان پیامدها

– علت قتل دانشجوی به دلیل دزدی بی سابقه‌است. لاقبل بنده مصداقی نیافتم،»

باید از ۱۸ تیر عبرت بگیریم

در مقابل غلامرضا ظریفیان، معاون دانشجویی وزیر علوم دولت اصلاحات در گفت‌وگو با رویداد ۲۴ با اشاره به حادثه‌ای که منجر به قتل یکی از دانشجویان دانشگاه تهران و تاکید به جایگاه دانشگاه‌ها و دانشجو اظهار داشت: نهاد دانشگاه علاوه بر نقش توسعه‌ای خودش که در پیشرفت کشور نقش‌وسهم‌بسی‌زی دارد، همچنین نقش مهمی در عرصه سیاسی و اجتماعی دارد. بنابراین به همین دلیل واکنش به رویدادهای محیط دانشگاه‌ها بیرون دانشگاه متفاوت

است، به دلیل همین جایگاه فوق‌العاده فاخر دانشگاه ابعاد ملی و حتی فراملی پیدا خواهد کرد.

استاد یار بازنشسته تاریخ دانشگاه تهران درباره تشنجات و اعتراضات اخیر در دانشگاه در اعتراض به وضعیت امنیتی دانشجویان گفت: ما همچنان بعد از سال‌ها خاطره تلخ ۱۸ تیر را در ذهن داریم که یادمان است، برخورد با اعتراض‌های دانشجویی چقدر با زتاب در داخل و خارج از کشور داشت. الان هم که اتفاق تلخی افتاده و دانشجویی در محیط دانشگاه مورد قتل قرار گرفته‌است، تا هم فضای دانشگاهی هم افکار عمومی واکنشی محکم‌نشان بدهند.

در چنین موقعیتی مهم است، از ۱۸ تیر تجربه کنیم و همه نهادها و ارگان‌های مرتبط که به قاعده باید به امنیت کشور اهمیت بدهند، پای کار بیایند و مساله را به‌طور مسالمت‌آمیزی حل کنند. یعنی به‌طور شفاف عوامل و علت را به مردم و به خصوص اهالی دانشگاه به‌طور شفاف توضیح بدهند و در واقع این‌طور نباشد که مثل برخی از رویدادها جدی گرفته نشود و به فراموشی سپرده‌شود.

عضو حزب اتحاد ملت افزود: البته در این مدت کوتاه که این اتفاق تلخ افتاده است، هم وزارت علوم، هم دولت و هم دانشگاه تهران که جایگاه ویژه‌ای برای دانشگاه و دانشجو قائل‌اند، در تلاش هستند تا دانشجو این حس را داشته باشد که پشتیبانی می‌شود و نهاد‌های رسمی از امنیت دانشگاه مراقبت می‌کنند.

اوافزود: متأسفانه باید دیده‌ای‌رادیکال‌وهزینه‌ساز که لباس شخصی‌ها شناخته‌می‌شوند، مواجه هستیم که ماهیت شان و خاستگاه شان نامعلوم است، با تندروی و برخورد‌های غیرقانونی فضای دانشگاه را تحریک می‌کنند تا بتوان این‌طور گفت، لازم است دستگاه‌های امنیتی با این نوع مداخله خوبی‌ها مخالفت کنند که البته باید اذعان داشت، تیمی که در دولت مستقر روی کار آمده‌است، مراقبت از دانشگاه را برای خودامری واجب قلمداد می‌کند تا دانشجو احساس امنیت کند.

ظریفیان یادآور شد: در پایان ذکر این نکته را لازم می‌دانم که دانشجویان متوجه این موضوع هستند که گروهی به دنبال بحران‌زایی برای دولت هر کاری انجام می‌دهند و دنبال اینند که فضا را امنیتی‌کنند که خوشبختانه دولت اهتمام بالایی برای نظارت برداشته‌است تهران دارد و بنابراین امنیت لازم فراهم خواهند کرد.

لباس شخصی‌ها را بپهانه نکنید!

روزنامه کیهان هم از منطری دیگر به‌موضوع‌نگاه کرده‌و با تاکید بر اینکه قاتل دانشجوی جوان دانشگاه تهران، زورگیر بوده‌ا از طرح موضوع «لباس شخصی‌ها» انتقاد کرد.

روزنامه اصولگرایی کیهان در ستون گفت‌وشنود خود نوشت: «گفت: ما از اجرای تجمع دیروز خوابگاه دانشگاه تهران چه خبر!؟

گفتم: شب هنگام یک سارق زورگیر که در کوچه تاریکی در محیط بیرون خوابگاه دانشگاه قصد زورگیری از یک دانشجو را داشت با مقاومت ایشان روبه‌رو می‌شود و سارق با کمال قسارت (وشاید با خیال راحت از تساهل مراکز مربوطه) دانشجوی مظلوم را به قتل می‌رساند. گفت: پس مسئله «لباس شخصی‌ها» چیست که برخی کانال‌های غربگدا وسایت‌های ضدانقلاب مطرح کرده‌اند؟! منظورشان این است که چرا قاتل لباس شخصی داشته‌است؟! مگر خودشان لباس شخصی ندارند؟! پس چی؟! گفتم: ای عوام! خودشان هم نمی‌گویند! از قدیم و ندیم گفته‌اند «قافیه‌که تنگ آید/ شاعر به جفنگ آید»!

گفت: دنبال بهانه می‌گردند، چون پیدانمی‌کنند. آسمان وریسمان را به هم می‌دوزند! گفتم: ایول! یارو خیلی دنبال بهانه‌تراشی علیه نظام بود. هرچه گشت چیزی پیدا نکرد. موقع صبحانه تا چشمش به نان سنگک افتاد، قیافه فیلسوفانه‌ای گرفت و گفت: یعنی مسئولین عرضه ندارند این سوراخ‌های نان سنگک را بگیرند که وقتی مریامی خوریم از این سوراخ‌های بیرون تریزد!»

ن

به نظر می‌رسد، برخی به دنبال تصاحب و مصادره کردن مطالبات دانشجویی‌اند تا اتفاقات به حق دانشجویی را به نفع خود مصادره کنند. بخش عمده‌ای از افرادی که می‌خواهند اعتراضات دانشجویی را تبدیل به آشوب‌های خیابانی کنند، خط و ربطی خارجی دارند. گروه‌های ضدایرانی‌که از همان ساعات اولیه بعد از اتفاق فعالیت خود را شروع کردند، بر فرمان امنیتی‌سازی و تبدیل این اتفاق به بحرانی برای نظام حکمرانی حرکت می‌کنند. این گروه‌ها حتی از بازداشت و آسیب دیدن دانشجویان استقبال می‌کنند؛ چراکه می‌توانند به‌راحتی از آن‌بحران‌بسازند.

سیاست مواجهه اجتماعی با نباشت خشم و غم دانشجویان

اما از سوی دیگر سید آرش وکیلیان کارشناس سیاست‌گذاری فرهنگی در ایرنا نوشت: دانشجویان یک پتانسیل عظیم برای سازندگی کشور هستند، اگر قدرشان را بدانیم و آنها را در امور مشارکت دهیم، دانشگاه محلی بسیار ارزنده برای تمرین امور دشوار زندگی و فرصتی بزرگ برای سازندگی آینده‌است، اگر جایگاهش را راج نهبیم. دانشجویان عزیز سوگواری حق دارند اعتراض کنند، اما در نظر داشته باشند جامعه خوب جامعه‌ای نیست که در آن هیچ اتفاق تلخی رخ نمی‌دهد؛ چون چنین رویایی قابل تحقق نیست، بلکه جامعه خوب جامعه‌ای است که می‌داند و می‌تواند بر ناملایمات و مشکلات غلبه‌کند.

از سوی دیگر، این بار اول نیست که دانشجویان اعتراض می‌کنند و بار آخر هم نخواهد بود. هم گروهی در اپوزوسیون و هم چه‌بسا گروهی در حکومت دوست دارند موضوع را امنیتی کنند تا ماهی خود را از آب گل آلود بگیرند. اما این کارها از انبوه خشم و غم دانشجویان نخواهد کاست، اگر چه ممکن است برخی از آنها با اظهار این خشم و غم تا حدی تخلیه‌شوند.

به یاد دارم سال ۱۳۸۲ با دکتر ظریفیان، معاون دانشجویی وقت وزارت علوم و دکتر گلزاری که بعداً معاون جوانان شد، درباره آموزش مهارت‌های زندگی و توسعه خدمات روانشناسی برای دانشجویان خوابگاهی که دچار غم، غربت و ازجاکندگی اجتماعی ناشی از مهاجرت بودند، صحبت می‌کردیم. آن وقت‌ها البته بازار کار برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی این قدر تیره نبود و امید به ازدواج و تشکیل خانواده با حقوق متعارف هم نسبتاً زیاد بود.

اما اکنون که هم‌بازار کار تخصصی تیره شده و هم تشکیل خانواده و خریدمسکن و مایحتاج زندگی با حقوق متعارف دور از دسترس به نظر می‌رسد، دانشجویان در برابر کوه مشکلات زندگی، از خشم و غم‌انباشته‌شده و جامعه‌ارسرد و حکومت‌رابی مسئولیتی می‌بینند. لذا یک حادثه تلخ، ارزش نمادین پیدامی‌کند تا آینه‌ای باشد از مصیبت بزرگ و پنهانی که در زندگی آنها جریان دارد.

حال چه باید کرد؟ آیا گذاشتن چند کیوسک بیشتر از سوی پلیس مشکل دانشجویان کشور را حل خواهد کرد؟ تقلیل موضوع چه‌دردی را درمان می‌کند؟

لازم است حکومت و دیگر نهاد‌های اجتماعی سیاست‌های حمایتی گسترده‌ای را برای شکوفاسازی استعداد دانشجویان اجرا کنند که به برخی از آنها اجمالاً اشاره می‌کنم:

۱– فراهم‌سازی امید به اشتغال از طریق ارتباط فعال با صنعت: اجرای طرح‌هایی نظیر کارورزی/اینترن‌شیپ نظیر آنچه در آموزش پرشکی هست می‌تواند دانشجویان مهندسی را به بازار کار نزدیک کند و آنها را برای اشتغال مهیا سازد. در این مورد بخش صنعت می‌تواند نقش آفرینی جدی داشته‌باشد.

۲– ایجاد فضای مشارکت اجتماعی: نهاد‌های مدنی و دستگاه‌های خدماتی نظیر هلال احمر، بهزیستی، بسیج و شهرداری می‌توانند شرایطی فراهم‌کنند که دانشجویان داوطلب با فعالیت‌های اجتماعی هم در بهبود محیط زندگی خود مشارکت کنند و هم حس مفید بودن داشته‌باشند. سمن‌های محیط زیستی، اردوهای جهادی و خیریه‌ها نمونه‌هایی از این فعالیت‌هاست.

۳– فضا‌سازی برای تولیدات خلاقانه اقتصادی: سکوی‌های مجازی و استارت‌آپ‌هایستری برای شکوفایی استعداد‌های جوانان و خلق ارزش اقتصادی و اجتماعی توسط آنهاست که‌با هزینه نسبتاً کمتری در قیاس با صنایع کارخانه‌ای در دسترس است. معاونت علمی ووزارت علوم با تا‌مین آموزش‌های لازم می‌تواند بستر این کار را فراهم‌کند.

۴– ارائه خدمات مهارت‌های زندگی، روانشناسی و مددکاری برای دانشجویانی که به‌علت ازجاکندگی اجتماعی و غربت دچار اضطراب یا فرسگی شده‌اند، می‌تواند زمینه‌آسپ‌های اجتماعی بزرگتر را کاهش دهد. سازمان اجتماعی کشور با همکاری وزارت علوم می‌تواند این خدمات را در همه دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها به‌صورت رایگان فراهم‌کند.

۵– بستر‌سازی برای فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها از طریق کانون‌های فرهنگی هنری و سایر اسکال فعالیت دانشجویی می‌تواند توانایی‌های دانشجویان را در بهبود کیفیت محیط زندگی دانشجویی‌شان شکوفا سازد.